

تغییرات در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری طی گذر زمان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

ایرج نوروش^۱، سلام عبدالله زاده^۲، مریم مالکی^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۰۵

چکیده

ارزش محتوای اطلاعات حسابداری با عنوان صورت‌های مالی مفید بدین معنا است که اطلاعات موردنظر بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته و حال و تأیید یا تصحیح ارزیابی‌های گذشته آنها مؤثر واقع شود. هرچه محتوای اطلاعاتی ارزش بیشتری داشته باشد، پیوستگی بین اقلام صورت‌های مالی و قیمت یا بازده سهام بیشتر و محکم‌تر می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تغییرات در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری طی گذر زمان در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۴ است. در این پژوهش تعداد ۱۶۵ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب گردید و دو فرضیه موردبررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد تغییر قابل‌توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. همچنین متغیرهای نسبت بدهی‌های بلندمدت به دارایی‌ها و دارایی‌های مشهود و درصد مالکیت دولتی بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت و مستقیم و متغیرهای اندازه شرکت، رشد شرکت و بازده تجمعی یک‌ساله تأثیر منفی و معکوس دارد.

واژه‌های کلیدی: ارزش مربوط بودن، اطلاعات حسابداری، محتوای اطلاعات حسابداری، ویژگی‌های

شرکت، بازار سرمایه.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, C23

DOI: 10.22051/ijar.2019.18047.1353

^۱ استاد حسابداری، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (irajnoravesh@yahoo.com)

^۲ دکتری حسابداری دانشگاه آزاد سنندج، کردستان، ایران، (sa.abdollahzade@gmail.com)

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی ارشد دماوند نویسنده ی مسئول، (Marya.maleki91@gmail.com)

مقدمه

هدف اولیه حسابداری مالی فراهم آوردن اطلاعات مفید برای سرمایه گذاران جهت پیش‌بینی عملکرد واحد تجاری است. محیط حسابداری بسیار پیچیده و چالش برانگیز است و محصول حسابداری چیزی جز اطلاعات نیست. یکی از دلایل مطرح درباره پیچیدگی اطلاعات، واکنش متفاوتی است که افراد نسبت به آن نشان می‌دهند. سودمند بودن اطلاعات برای تصمیم‌گیری به یکی از اصول مهم تئوری حسابداری تبدیل شده است. دلیل دیگر پیچیدگی اطلاعات، نقشی است که بیش از اثرگذار بودن بر تصمیم‌های فردی ایفا می‌کند؛ اطلاعات نه تنها بر تصمیم اثرگذار است، بلکه بر بازار (مانند بورس اوراق بهادار) نیز اثر می‌گذارد (اسکات، ۲۰۰۷).

مطالعات ارتباط ارزشی، بخش مهمی از پژوهش‌های حسابداری مالی مبتنی بر بازار هستند که فرض می‌کنند ارقام حسابداری، اطلاعاتی را برای سرمایه گذاران فراهم می‌کنند. تمرکز اصلی این پژوهش‌ها، رابطه بین بازارهای سرمایه و صورت‌های مالی است و تغییرات در قیمت‌های سهام به‌عنوان معیاری عینی از سودمندی اطلاعات حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد (فرهادی و سلیمانی امیری، ۱۳۹۷). دو ویژگی کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات، مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات است (بلکویی، ۱۳۸۹).

هرچه ارزش مربوط بودن اطلاعات بیشتر باشد، صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری سرمایه گذاران قابل اتکا ترند و بین اقلام صورت‌های مالی و قیمت یا بازده سهام ارتباط قوی‌تری ایجاد می‌کند (فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹). بنابراین سؤال اصلی اینجاست که آیا اطلاعات حسابداری از ویژگی مربوط بودن برخوردار است و می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آنها مفید واقع شود؟ تدوین استانداردهای حسابداری ایران تا چه حد توانسته در دستیابی به این هدف موفق باشد؟ از سوی دیگر، ممکن است بدهی‌های شرکت و ناتوانی پرداخت آنها و یا حتی انگیزه‌های سیاسی موجب شود برای جلوگیری از ایجاد تصویر نامطلوب، شرکت‌ها تمایلی به گزارش اطلاعات مربوط نداشته باشند. در مقابل، رشد مثبت شرکت ممکن است برای انعکاس تصویر مطلوب‌تر از شرکت انگیزه‌ی بیشتری ایجاد کند و در این میان، اندازه شرکت بی‌تأثیر نخواهد بود.

به عبارت دیگر، اطلاعاتی که دارای این دو ویژگی مربوط بودن و قابل اتکا بودن باشد در تصمیم‌گیری‌ها سودمندتر خواهند بود. بررسی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات حسابداری به طور مجزا بسیار مشکل است، زیرا مربوط بودن و قابل اتکا بودن معیارهایی متضاد هستند و در مفاهیم نظری گزارشگری مالی مقدار مربوط بودن یا قابل اتکا بودن اطلاعات جهت برخورداری از معیارهای مذکور تعیین نشده است. به عبارت دیگر این دو معیار کمی نیستند و بررسی آنها به قضاوت افراد وابسته است (بارس و همکاران، ۲۰۰۱).

مبانی نظری

مطالعات انجام شده در خصوص بازارهای مالی حاکی از آن می‌باشد که طی سال‌های اخیر، جایگاه بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از ارکان بازار سرمایه به شدت تقویت شده و نقش آن به عنوان محرک توسعه اقتصادی، پررنگ‌تر گشته، به گونه‌ای که هم‌اکنون نهاد مذکور به یکی از شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است. در عین حال، با توجه به این که تصمیم‌گیری بازیگران عرصه بازار سرمایه و به ویژه سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار در محیطی انجام می‌شود که عدم اطمینان بر آن حاکم است، آنان نیازمند اطلاعات هستند. از سوی دیگر، سیستم حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی قادر به تهیه و ارائه چنین اطلاعاتی است.

تحولات اخیر به وجود آمده در محیط کسب و کار بنگاه‌های تجاری و بازارهای مالی که حاصل عوامل گوناگونی چون مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی، جهانی‌سازی و نوآوری حوزه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌باشد، موجب شده است تا شیوه‌های تصمیم‌گیری اقتصادی سرمایه‌گذاران به گونه‌ای تغییر کند که بسیاری از صاحب‌نظران حوزه مربوط، نسبت به توانایی الگوی کنونی گزارشگری مالی در هماهنگ شدن با تغییرات محیطی پیش‌گفته و تأمین نیازهای اطلاعاتی جدید سرمایه‌گذاران، اظهار تردید و نگرانی نمایند. در واکنش به انتقادهای روزافزون، پژوهش‌های متعددی انجام شده که هدف آنها مطالعه تغییرات ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در طول زمان بوده است. البته، بازنگری نتایج تحقیقات مذکور حاکی از ناسازگاری یافته‌های آنها با یکدیگر است. به عبارتی، نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که به رغم ادعای منتقدان، تغییرات معناداری در روند ارتباط ارزشی مشاهده می‌شود، درحالی که یافته‌های

مطالعات دیگر، حاکی از وجود یک‌روند کاهشی در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری است (تقفی و باغومیان، ۱۳۸۸).

برای نمونه طی بررسی پروان و بارتولویک (۲۰۱۲) در رابطه با ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در کشورهای جنوب شرقی اروپا بیان می‌کنند که نه تنها هیچ افزایشی در توان توضیحی متغیرهای حسابداری طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ اتفاق نیفتاده است، بلکه خلاف آن هم طبق مشاهدات ثابت شده است. علاوه بر این نتایج این پژوهش حاکی از کاهش یا نوسان‌های زیاد در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری می‌باشد و این در حالی است که فرهان مالیک و بختیار (۲۰۱۳) طی پژوهش در رابطه با ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در بخش نفت و گاز پاکستان ادعا می‌کنند که نتایج بیانگر توانایی بالای اهرم مالی و گردش مالی شرکت در ایجاد ارزش ارتباطی می‌باشند و همچنین ارزش محتوای اطلاعات حسابداری افزایش یافته است.

آگاهی‌های مالی شفاف و قابل مقایسه، رکن اساسی پاسخگویی و تصمیم‌گیری اقتصادی آگاهانه و از ملزومات بی‌بدیل توسعه و رشد اقتصادی در بخش‌های خصوصی و دولتی است. در نتیجه اطلاعات حسابداری وقتی مربوط و به‌موقع باشد، می‌تواند به‌عنوان مبنایی قابل اتکا برای مدیران شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، پژوهشگران و دانشجویان رشته حسابداری در حیطه موردبررسی کمک نماید. اهمیت این موضوع با انتشار اطلاعات متناقض یا غیرقابل اتکا و تأثیرات منفی آن بر بازارهای مالی دوچندان می‌شود. ارتباط ارزشی یکی از حوزه‌های پرطرفدار حسابداری طی ۲۰ سال گذشته بوده است و انگیزه این پژوهش نشأت گرفته از ناسازگاری یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با این موضوع می‌باشد. علاوه بر این قابل تأمل است که اکثر این پژوهش‌ها در بازارهای مالی بزرگ و توسعه‌یافته صورت گرفته است و توجه کمتری شامل حال بازارهای درحال توسعه از جمله بازار سرمایه ایران شده است.

هدف از این پژوهش کمک به ایجاد بینش ژرف مربوط به تغییرات در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری و عوامل مؤثر بر این تغییرات است و این در حالی است که در گذشته اصلاحات حسابداری در تلاش برای تصادفی نشان دادن رابطه بین اصلاحات حسابداری و ارزش محتوای اطلاعات حسابداری بوده‌اند. پیش‌بینی می‌شود، طی گذر زمان تغییر قابل توجهی در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در بازار ایران رخ داده باشد.

اندازه شرکت عبارت است از ارزش کل ریالی همه سهام منتشرشده یک شرکت در بازار بورس که به عنوان معیاری جهت مقایسه شرکت‌ها در بازار بورس استفاده می‌شود. علاوه بر این جهت اندازه‌گیری رشد شرکت از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری استفاده شده است. تولید ناخالص داخلی یک متغیر اقتصادی است و به معنی مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی ارائه‌شده طی یک سال در یک کشور است. همچنین با توجه به متغیرهای تعریف‌شده در مدل پنجم نسبت به تعریف باقیمانده تغییرات در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری که با چهار مدل اول قابل توجه نیست، اقدام به آزمون مدل‌ها ۴ مدل برای تبیین ارزش محتوای اطلاعات حسابداری شده است. بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ارزش محتوای اطلاعات حسابداری باگذشت زمان تغییر کرده است؟

پیشینه پژوهش

کونین و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی ارزش مربوط بودن اطلاعات پرداخته‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که افزایش و اصلاحات ارزش مربوط بودن بیشتر به شرکت‌های کوچک‌تر تعلق دارد، شرکت‌هایی با نرخ رشد پایین‌تر و شرکت‌هایی با دارایی‌های ثابت مشهود بیشتر و اصلاحات ارزش مربوط بودن در بازار سهام پررونق، معمولاً کمتر به چشم می‌خورد.

جانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ارزش مربوط بودن ترکیبی از ارزش دفتری و جریان‌های نقدی، نسبت به ارزش دفتری سودها پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان داد ارزش مربوط بودن ترکیبی از ارزش دفتری و جریان‌های نقدی، نسبت به ارزش دفتری سودها مربوط‌تر است.

کونین و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه بین مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با ترازنامه و مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها و بدهی شرکت پرداخته‌اند. بین مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با سود، مدل مرتبط با ترازنامه و مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها و رشد شرکت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به عبارتی، شرکت‌های در حال رشد، به‌منظور جذب سرمایه‌گذار و تصویری مطلوب‌تر و واقعی‌تر از شرکت، اطلاعات مربوط‌تری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند.

الکدای و هنیفا (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیئت‌مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری بین ۲۷۰ شرکت در کشور مالزی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که اندازه هیئت‌مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیری ندارد و رابطه مثبت بین استقلال هیئت‌مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد.

اناندراجان و حسن (۲۰۱۰) مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را در بازار سرمایه تعدادی از کشورهای آفریقایی مورد واکاوی قراردادند. نتایج آنها نشان داد اطلاعات حسابداری شرکت‌هایی که از استانداردهای بین‌المللی پیروی می‌کنند، نسبت به شرکت‌های پایبند به استانداردهای بومی، دارای ارزش مربوط تری است.

کالینز و همکاران (۱۹۹۷) تغییر در مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را در بازار سرمایه آمریکا بررسی نمودند. آنها دریافتند که در آن دوره مربوط بودن ارزش اطلاعات کاهش نیافته است. البته مربوط بودن ارزش سود حسابداری در آن دوره کاهش یافته است، اما در عوض مربوط بودن ارزش دفتری سهام، این کاهش را جبران کرده است. آنها در ادامه پژوهش خود به بررسی اثر چهار عامل بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری نیز پرداختند. این چهار عامل شامل (۱) دارایی‌های نامشهود، (۲) اقلام غیرمستمر، (۳) سود ده بودن یا زیان ده بودن شرکت و (۴) اندازه شرکت بود. آنها دریافتند که با کنترل این چهار عامل در مدل اولسن، روند زمانی، معناداری خود را بدون توجه به معیار در نظر گرفته شده در رگرسیون (سود یا ارزش دفتری سهام) از دست می‌دهد. بر این اساس آنها این چهار عامل را دلیل کاهش مربوط بودن ارزش سود و افزایش مربوط بودن ارزش دفتری سهام دانستند.

مشایخ و نصیری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شفافیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری دارد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی ارزش محتوایی استانداردهای حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اطلاعات ارائه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد و ارزش محتوایی این اطلاعات در طی سال‌های موردبررسی سیر یکنواختی نداشته است. همچنین

اطلاعات گزارش شده مزبور، توسط شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری است.

بحری ثالث و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی رابطه بین ویژگی‌های هیئت‌مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت پذیرفته‌های شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های هیئت‌مدیره یعنی اندازه و استقلال هیئت‌مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و دانش مالی هیئت‌مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیری ندارد.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت نهادی با مربوط بودن ارزش اطلاعات روابط معناداری وجود دارد.

کردستانی و ایرانشاهی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه کاری بر میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که میزان مربوط بودن اطلاعات حسابداری به ارزش سهام در شرکت‌های با درجه محافظه کاری بالا و پایین، تفاوت معناداری باهم ندارد. به عبارتی درجه محافظه کاری شرکت‌ها، تأثیری بر محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری آنها ندارد. آزمون‌های اضافی این نتایج را تا حدودی تعدیل کرد و شواهدی فراهم نمود که نشان می‌دهد شرکت‌های با درجه محافظه کاری متوسط و بالا، اطلاعات حسابداری نسبتاً مربوط تری به ارزش سهام ارائه می‌کنند.

خدای پور و ترک‌زاده ماهانی (۱۳۹۰) دریافتند مالیات نه تنها مربوط بودن اطلاعات حسابداری گزارش شده شرکت‌ها را کاهش نمی‌دهد، بلکه سبب افزایش مربوط بودن اطلاعات نیز می‌شود.

سوالات پژوهش

۱. تا چه میزان ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با گذشت زمان تغییر کرده است؟

۲. چه عواملی در تغییر ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش موردنظر برای انجام این پژوهش علی و از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته)، در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری و مبتنی بر اطلاعات واقعی است. این پژوهش به دنبال کشف و بررسی روابط بین عوامل و شرایط خاص یا نوع رویدادی که قبلاً وجود داشته یا رخ داده، از طریق مطالعه نتایج حاصل از آنها است. داده‌های موردنیاز پژوهش، از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه گردآوری شده است و برای مرتب کردن و طبقه‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار Excel استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار Eviews 7 انجام شده است.

جامعه آماری

نمونه آماری این پژوهش با شرکت‌هایی شروع می‌شود که اطلاعات مالی آنها در بازار بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ قابل دسترس باشد و دارای ویژگی‌های زیر باشند.

- اطلاعات کامل صورت‌های مالی شرکت‌ها و یادداشت‌های همراه آن، برای هر یک از شرکت‌های مورد مطالعه طی یک سال قبل از قلمرو زمانی پژوهش در دسترس باشد.
- شرکت‌ها در طول دوره‌ی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند و به منظور افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه ۲۹ اسفندماه باشد.

جامعه آماری این پژوهش با ویژگی‌های بیان شده فوق تعدیل شده است و تعداد ۱۶۵ شرکت تحت عنوان جامعه در دسترس مورد آزمون قرار می‌گیرد.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

معیارهای اندازه‌گیری برای ارزش محتوای اطلاعات حسابداری عبارت‌اند از: تغییرات در توانایی متغیرهای اصلی حسابداری مانند دارایی‌ها، بدهی‌ها و عایدات که بیانگر بازده سهام و ارزش بازار می‌باشد. انتظار می‌رود قدرت متغیرهای کلیدی باگذشت زمان بهبود یافته باشد. علاوه بر این مشخصه‌های شرکت مرتبط با بهبود ارزش محتوای اطلاعات حسابداری مانند اندازه

شرکت، دارائی‌های مشهود، نرخ رشد، کنترل بدهی‌های بلندمدت و مالکیت دولتی موردبررسی قرار گرفته‌اند. برای پاسخ به اولین هدف اصلی از چهار مدل (۱ تا ۴) و برای هدف دوم از مدل پنجم استفاده شده است.

$$RET_{j,t} = p_{0,t} + p_{1,t} \Delta EARN_LMV_{j,t} + p_{2,t} EARN_LMV_{j,t} \quad (1)$$

RET: بازده تجمعی بازار

EARN-LMV: سود قبل از ارقام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام
EARN-LMV Δ : تغییرات در سود قبل از ارقام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام

$$MV_PS_{j,t} = \pi_{0,t} + \pi_{1,t} ASSETS_PS_{j,t} + \pi_{2,t} LIAB_PS_{j,t} \quad (2)$$

MV-PS: ارزش بازار هر سهم از حقوق صاحبان سهام شرکت در پایان دوره مالی

ASSETS-PS: ارزش دفتری دارایی به ازای هر سهم در پایان دوره مالی

LIAB-PS: ارزش دفتری بدهی‌ها به ازای هر سهم در پایان دوره مالی

$$MV_LBV_{j,t} = \delta_{0,t} + \delta_{1,t} BV_LBV_{j,t} + \delta_{2,t} EARN_LBV_{j,t} \quad (3)$$

MV-LBV: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره مالی

BV-LBV: ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره مالی

EARN-LBV: سود قبل از ارقام مترقبه نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره مالی

$$RET_{j,t} = \gamma + \gamma_1 ACCR_LMV_{j,t} + \gamma_2 CFO_LMV_{j,t} \quad (4)$$

RET: بازده تجمعی بازار

ACCR-LMV: ارقام تعهدی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره

مالی

CFO-LMV: جریان نقدی عملیاتی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای

دوره مالی

$$\Delta VAL_RELM_{j,t} = \alpha + \beta_1 SIZE_{j,t} + \beta_2 GROW_{j,t} + \beta_3 DEBT_{j,t} + \beta_4 BIG4_{j,t} + \beta_5 ALOC_{j,t} + \beta_6 INSTIT_{j,t} + \beta_7 STATE_{j,t} + \beta_8 SINDE_{j,t} + \beta_9 TANG_{j,t} + \varepsilon$$

(۵)

VAL-RELM: تغییر در معیارهای ارزش ارتباطی معکوس (محاسبه شده از مقدار مطلق

باقی مانده‌ی رگرسیون چهار مدل ۱ تا ۴)

SIZE: اندازه شرکت، تعریف شده به عنوان تبدیل لگاریتمی از کل دارائی‌ها

GROW: اندازه گیری رشد شرکت به عنوان نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری

DEBT: بدهی‌های بلندمدت تقسیم بر ارزش کل دارایی‌ها

BIG 4: اگر حسابرسی یکی از شرکت‌های گرید اول معتبر بورس باشد عدد ۱ و در غیر این

صورت عدد صفر

ALOC: اگر حسابرسی یکی از شرکت‌های گرید چهارم معتبر بورس باشد عدد ۱ و در غیر

این صورت عدد صفر

INSTIT: سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای اعلام بانک مرکزی

STATE: درصد مالکیت دولتی از سهام شرکت

SINDE: بازده تجمعی یک ساله بازار سهام در بورس

TANG: شاخص دارائی‌های مشهود

آمار توصیفی پژوهش

نگاره ۱ توصیف شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	انحراف معیار
بازده تجمعی بازار (RET)	-۰/۲۷	۰/۵۶	۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۱۷
ارزش بازار هر سهم (MV-PS)	۷۵۰	۵۷۶۲۰	۶۸۴۰	۹۵۲۰	۲/۵۸
ارزش بازار به ارزش دفتری ابتدای دوره (MV-LBV)	۰/۸۹	۶/۶۴	۰/۶۳	۱/۱۴	۱/۲۸
تغییرات معکوس در معیارهای اندازه‌گیری ارزش محتوای اطلاعات (Δ VAL-RELM)	۰/۱۷	۳/۶۳	۰/۸۹	۰/۸۶	۰/۱۹
سود قبل از ارقام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام (EARN-LMV)	-۰/۱۲	۴/۳۶	۰/۳۱	۰/۶۸	۰/۷۲
تغییرات در سود قبل از ارقام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام (Δ EARN-LMV)	-۰/۲۵	۱/۶۸	۰/۰۶	۰/۱۵	۰/۱۲
ارزش دفتری دارایی به ازای هر سهم (ASSETS-PS)	۱۶۳۴	۲۳۲۸۰	۵۹۳۰/۴۹	۷۲۱۴	۸/۸۶
ارزش دفتری بدهی‌ها به ازای هر سهم (LIAB-PS)	۲۹۰	۱۲۵۲۰	۳۵۴۰/۳۱	۴۲۲۰	۲/۳۴
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره (BV-LBV)	۰/۶۷	۱/۷۶	۱/۰۵	۱/۰۹	۰/۱۹
سود قبل از ارقام مترقبه نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (EARN-LBV)	-۰/۱۸	۱/۰۳	۰/۲۲	۰/۱۸	۰/۱۲
ارقام تعهدی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (ACCR-LMV)	-۰/۱۳	۰/۳۴	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۰۳۷
جریان نقدی عملیاتی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (CFO-LMV)	-۰/۱۸	۲/۶۳	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۳۷
اندازه شرکت (Size)	۹/۴۱	۱۵/۲۴	۱۱/۹۳	۱۲/۲۵	۰/۴۵
رشد شرکت (GROW)	۰/۵۷	۶/۴۲	۲/۲۸	۲/۳۶	۰/۵۹
بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها (DEBT)	۰/۱۸	۰/۷۳	۰/۳۴	۰/۳۱	۰/۱۷
حسابرسان تراز اول (BIG 4)	۰	۱	۰/۴۱	۰/۴۸	۰/۳۱
حسابرسان تراز چهارم (ALOC)	۰	۱	۰/۲۴	۰/۳۲	۰/۲۹
سراجه تولید ناخالص داخلی (INSTIT)	۱/۰۹	۸/۶۷	۳/۸۴	۳/۵۱	۰/۹۸
درصد مالکیت دولتی (STATE)	۰	۰/۷۸	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۲۳
بازده تجمعی یک‌ساله بازار (SINDEX)	-۰/۵۴	۱/۳۹	۰/۲۳	۰/۲۸	۰/۷۱
شاخص دارایی‌های مشهود (TANG)	۰/۴۹	۰/۹۲	۰/۶۷	۰/۷۲	۰/۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون‌های انتخاب مدل

برای تعیین مدل مناسب از بین مدل تلفیقی و مدل تابلویی از آزمون F لیمر استفاده شد که فرضیه صفر آن، بیانگر مناسب بودن مدل تلفیقی است. اگر مدل تلفیقی مناسب‌تر بود، نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست، اما اگر مدل تابلویی مناسب‌تر باشد، باید مدل اثرات ثابت در برابر مدل اثرات تصادفی آزمون شود تا مدل مناسب جهت برآورد تعیین شود. این کار با آزمون هاسمن صورت می‌گیرد و فرضیه صفر بیانگر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی است. نگاره ۲ و ۳ به ترتیب بیانگر آزمون F لیمر و هاسمن است.

نگاره (۲): آزمون F لیمر

نتیجه	سطح معناداری	آماره F	آزمون اثرات	مدل
۱	F	۱۸/۶۳	۰/۰۰۰	پانل دیتا
۲	F	۲۲/۶۹	۰/۰۰۰	پانل دیتا
۳	F	۲۷/۸۲	۰/۰۰۰	پانل دیتا
۴	F	۱۷/۴۱	۰/۰۰۰	پانل دیتا
۵	F	۲۱/۹۹	۰/۰۰۰	پانل دیتا

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به این که احتمال آزمون F لیمر برای تمام مدل‌های پژوهش کوچک‌تر از ۵٪ است، فرض صفر (مدل تلفیقی) برای هیچ‌یک از مدل‌ها تائید نمی‌شود. در نتیجه از مدل تابلویی استفاده کرده و نتایج آزمون هاسمن جهت بررسی اثر ثابت یا تصادفی در نگاره شماره ۳ بیان شده است.

نگاره (۳): آزمون هاسمن

مدل	خلاصه آزمون	آماره Chi Sq	سطح معناداری	نتیجه
۱	دوره تصادفی	۲۲/۹۹	۰/۰۰۰	مدل آثار ثابت
۲	دوره تصادفی	۴۱/۶۳	۰/۰۰۰	مدل آثار ثابت
۳	دوره تصادفی	۲۷/۸۴	۰/۰۰۰	مدل آثار ثابت
۴	دوره تصادفی	۳۱/۸۷	۰/۰۰۰	مدل آثار ثابت
۵	دوره تصادفی	۱۹/۲۴	۰/۰۰۰	مدل آثار ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به مدل‌های پژوهش، احتمال آزمون هاسمن، برای تعیین استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی، بیشتر از ۵٪ است، بنابراین فرضیه H_0 (مدل اثرات ثابت) پذیرفته می‌شود.

تفسیر یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه اول بر اساس مدل اول - مرتبط با سود دارای فرض صفر و مخالف آن به شرح زیر است.

H_0 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد.

H_1 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

نتایج نگاره ۴ نشان‌دهنده بهینه بودن مدل برای آزمون فرضیه در هر دو دوره‌ی زمانی است. آماره F (۵۴/۹۹) و (۶۸/۱۱) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) مؤید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۲۱ و ۰/۲۷ می‌باشد. متغیر سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) در هر دوره با متغیر بازده تجمعی بازار رابطه مثبت و مستقیم دارد. متغیر تغییرات در سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام با توجه به سطح معناداری (۰/۰۲۳) و (۰/۰۱۷) با متغیر بازده تجمعی بازار رابطه مثبت و مستقیم دارد.

نگاره (۴): آزمون فرضیه اول (مدل اول پژوهش)

RET = p _{0,t} + p _{1,t} ΔEARN_LMV _{j,t} + p _{2,t} EARN_LMV _{j,t}						
دوره زمانی سال ۹۴-۹۲		دوره زمانی سال ۹۱-۸۸			مدل اول	
سطح معناداری	ضریب آماره t	سطح معناداری	ضریب آماره t	ضریب آماره t	متغیر	
۰/۰۰۰	۴/۴۵	۰/۲۹	۰/۰۰۰	۳/۲۸	۰/۱۳	سود قبل از اقلام مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام EARN-LMV
۰/۰۱۷	۲/۶۴	۰/۱۵	۰/۰۲۳	۲/۳۹	۰/۰۴۷	تغییرات در سود قبل از اقلام مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ΔEARN-LMV
۰/۰۱۲	۲/۶۵	۰/۳۴	۰/۰۰۰	۳/۰۹	۰/۱۴	عرض از مبدأ β.
۶۸/۱۱ (۰/۰۰۰)	آماره F	۰/۲۷	۵۴/۹۹ (۰/۰۰۰)	آماره F	۰/۲۱	ضریب تعیین تعدیل شده
آزمون والد برای بررسی تفاوت ضرایب متغیرها در دو دوره زمانی						
۱۷/۱۲ (۰/۰۰۰)	آماره F		p1 دوره زمانی ۹۲-۹۴ = دوره زمانی ۸۸-۹۱			
۱۵/۶۳ (۰/۰۰۰)	آماره F		P2 دوره زمانی ۹۲-۹۴ = دوره زمانی ۸۸-۹۱			

منبع: یافته‌های پژوهش

برای تأیید یا رد فرضیه از آزمون والد یا آزمون تفاوت ضرایب استفاده شده است که با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین متغیر سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام و تغییرات در سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش اولیه بازار حقوق صاحبان سهام در دو دوره زمانی وجود دارد. بنابراین با توجه به معنادار بودن آزمون والد فرضیه اول پژوهش تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه اول بر اساس مدل دوم - مرتبط با ترازنامه دارای فرض صفر و مخالف آن به شرح زیر است.

H_0 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد.

H_1 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

نتایج نگاره ۵ نشان‌دهنده بهینه بودن مدل برای آزمون فرضیه در هر دو دوره‌ی زمانی است. آماره F (۵۹/۷۴) و (۷۸/۳۴) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) مؤید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۳ و ۰/۳۱ می‌باشد. متغیر ارزش دفتری دارای به ازای هر سهم با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) در هر دوره با متغیر ارزش بازار هر سهم رابطه مثبت و مستقیم دارد. متغیر ارزش دفتری بدهی به ازای هر سهم با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۴) و (۰/۰۰۰) با متغیر ارزش بازار هر سهم رابطه منفی و معکوس دارد.

نگاره (۵): آزمون فرضیه اول (مدل دوم)

$MV_PS_{i,t} = \pi_{0,t} + \pi_{1,t}ASSETS_PS_{i,t} + \pi_{2,t}LIAB_PS_{i,t}$						
دوره زمانی سال ۹۲-۹۴			دوره زمانی سال ۸۸-۹۱			مدل اول
سطح معناداری	آماره t	ضریب	سطح معناداری	آماره t	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	۴/۱۷	۰/۵۴	۰/۰۰۰	۳/۸۷	۰/۲۹	سود قبل از اقلام مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام EARN-LMV
۰/۰۰۰	-۳/۲۵	-۰/۳۹	۰/۰۰۴	-۲/۹۹	-۰/۲۷	تغییرات در سود قبل از اقلام مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام $\Delta EARN-LMV$
۰/۰۳۱	۲/۲۴	۰/۱۹	۰/۰۲۴	۱/۱۶	۰/۰۴	عرض از مبدأ β .
۷۸/۳۴ (۰/۰۰۰)	آماره F	۰/۳۱	۵۹/۷۴ (۰/۰۰۰)	آماره F	۰/۲۳	ضریب تعیین تعدیل شده
آزمون والد برای بررسی تفاوت ضرایب متغیرها در دو دوره زمانی						
۲۹/۲۵ (۰/۰۰۰)		آماره F		p1 دوره زمانی ۹۲-۹۴ = دوره زمانی ۸۸-۹۱		
۳۱/۹۶ (۰/۰۰۰)		آماره F		P2 دوره زمانی ۹۲-۹۴ = دوره زمانی ۸۸-۹۱		

منبع: یافته‌های پژوهش

برای تأیید یا رد فرضیه از آزمون والد یا آزمون تفاوت ضرایب استفاده است که با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین متغیر ارزش دفتری دارایی به ازای هر سهم و ارزش دفتری بدهی به ازای هر سهم در دو دوره زمانی وجود دارد. بنابراین با توجه به معنادار بودن آزمون والد فرضیه اول پژوهش تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه اول بر اساس مدل سوم - مرتبط با ارزش دفتری و سود دارای فرض صفر و مخالف آن به شرح زیر است.

H_0 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد.

H_1 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

نتایج نگاره ۶ نشان‌دهنده بهینه بودن مدل برای آزمون فرضیه در هر دو دوره‌ی زمانی است. آماره F (۷۹/۳۳) و (۹۱/۳۷) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) مؤید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۲۸ و ۰/۳۴ می‌باشد. متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۵) و (۰/۰۰۰) با متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه مثبت و مستقیم دارد. متغیر سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام با توجه به سطح معناداری (۰/۰۱۴) و (۰/۰۰۹) با متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری رابطه منفی و معکوس دارد.

برای تأیید یا رد فرضیه از آزمون والد یا آزمون تفاوت ضرایب استفاده شده است که با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰)، نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین متغیر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره و سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در دو دوره زمانی وجود دارد.

نگاره (۶): آزمون فرضیه سوم (مدل سوم پژوهش)

مدل سوم					
$MV_LBV_{j,t} = \delta_{0,t} + \delta_{1,t} BV_LBV_{j,t} + \delta_{2,t} EARN_LBV_{j,t}$					
دوره زمانی سال ۹۱-۸۸			دوره زمانی سال ۹۴-۹۲		
متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t
ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در پایان دوره نسبت به ابتدای دوره BV-LBV	۰/۱۷	۲/۹۶	۰/۰۰۵	۰/۳۳	۳/۸۲
سود قبل از اقلام مترقبه نسبت به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام EARN-LBV	-۰/۲۴	-۲/۶۹	۰/۰۱۴	-۰/۴۵	-۲/۸۷
عرض از مبدأ β .	۰/۰۴	۱/۱۶	۰/۰۲۴	۰/۱۹	۲/۲۴
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸	آماره F	۷۹/۳۳ (۰/۰۰۰)	۰/۳۴	آماره F ۹۱/۳۷ (۰/۰۰۰)
آزمون والد برای بررسی تفاوت ضرایب متغیرها در دو دوره زمانی					
p1 دوره زمانی ۹۱-۸۸ = p1۹۴-۹۲		آماره F	۱۸/۸۹ (۰/۰۰۰)		
P2 دوره زمانی ۹۱-۸۸ = p2۹۴-۹۲		آماره F	۱۴/۳۶ (۰/۰۰۰)		

منبع: یافته‌های پژوهش

بنابراین با توجه به معنادار بودن آزمون والد فرضیه اول پژوهش تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه اول بر اساس مدل چهارم - مرتبط با اقلام تعهدی و جریان وجوه نقد دارای فرض صفر و مخالف آن به شرح زیر است.

H_0 : تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد.

H1: تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

نتایج نگاره ۷ نشان‌دهنده بهینه بودن مدل برای آزمون فرضیه در هر دو دوره‌ی زمانی است. آماره F (۵۷/۱۶) و (۶۸/۹۹) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) مؤید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۹ و ۰/۲۳ می‌باشد. متغیر اقلام تعهدی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام با توجه به سطح معناداری (۰/۰۲۱) و (۰/۰۰۰) با متغیر بازده تجمعی بازار رابطه مثبت و مستقیم دارد. متغیر جریان نقدی عملیاتی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام با توجه به سطح معناداری (۰/۰۳۸) و (۰/۰۱۲) با متغیر بازده تجمعی بازار رابطه مثبت و مستقیم دارد.

نگاره (۷): آزمون فرضیه اول (مدل چهارم پژوهش)

مدل چهارم					
$RET_{j,t} = \gamma_{0,t} + \gamma_{1,t} ACCR_LMV_{j,t} + \gamma_{2,t} CFO_LMV_{j,t}$					
دوره زمانی سال ۹۲-۹۴		دوره زمانی سال ۸۸-۹۱		متغیر	
سطح معناداری	آماره t	ضریب	سطح معناداری	آماره t	ضریب
۰/۰۰۰	۴/۶۹	۰/۲۲	۰/۰۲۱	۲/۵۴	۰/۰۹
اقلام تعهدی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ACCR-LMV					
۰/۰۱۲	۲/۷۴	۰/۳۱	۰/۰۳۸	۲/۱۹	۰/۱۳
جریان نقدی عملیاتی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام CFO-LMV					
۰/۰۴۸	۲/۰۲	۰/۰۴	۰/۱۷۶	۱/۳۹	۰/۱۱
عرض از مبدأ β .					
۶۸/۹۹ (۰/۰۰۰)	آماره F	۰/۲۳	۵۷/۱۶ (۰/۰۰۰)	آماره F	۰/۱۹
ضریب تعیین تعدیل شده					
آزمون والد برای بررسی تفاوت ضرایب متغیرها در دو دوره زمانی					
۲۱/۰۶ (۰/۰۰۰)		آماره F	p1 دوره زمانی ۹۲-۱۹۴ = دوره زمانی ۸۸-۹۱		
۱۶/۳۸ (۰/۰۰۰)		آماره F	P2 دوره زمانی ۹۲-۲۹۴ = دوره زمانی ۸۸-۹۱		

منبع: یافته‌های پژوهش

برای تأیید یا رد فرضیه از آزمون والد یا آزمون تفاوت ضرایب استفاده است که با توجه به سطح معناداری (۰/۰۰۰) نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین متغیر اقلام تعهدی نسبت به

ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و جریان نقدی عملیاتی نسبت به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در دو دوره زمانی وجود دارد. بنابراین با توجه به معنادار بودن آزمون والد فرضیه اول پژوهش تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه دوم

H_0 : عوامل (اندازه شرکت، رشد شرکت، بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها، حسابرس گرید اول بورس، حسابرس گرید چهارم بورس، سرانه تولید ناخالص داخلی، بازده تجمعی یک‌ساله بازار، دارائی‌های مشهود و درصد مالکیت دولتی) بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر ندارد.

H_1 : عوامل (اندازه شرکت، رشد شرکت، بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها، حسابرس گرید اول بورس، حسابرس گرید چهارم بورس، سرانه تولید ناخالص داخلی، بازده تجمعی یک‌ساله بازار، دارائی‌های مشهود و درصد مالکیت دولتی) بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

نتایج نگاره ۸ نشان‌دهنده بهینه بودن مدل برای آزمون فرضیه است. آماره $F(۹۳/۸۷)$ و سطح معناداری (۰/۰۰۰) مؤید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۷ می‌باشد. متغیرهای اندازه شرکت، رشد شرکت و بازده تجمعی یک‌ساله بازار با توجه به سطح معناداری در نگاره زیر بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری تأثیر منفی و معکوس و متغیرهای نسبت بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها، دارایی‌های مشهود و درصد مالکیت دولتی با توجه به سطح معناداری در نگاره زیر بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت و مستقیم دارد. متغیرهای حسابرس گرید اول بورس، حسابرس گرید چهارم بورس، سرانه تولید ناخالص داخلی بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری تأثیر ندارد.

نگاره (۸): آزمون فرضیه دوم (مدل پنجم پژوهش)

$\Delta AL_RELM = \alpha + \beta_1 SIZE_{j,t} + \beta_2 GROW_{j,t} + \beta_3 DEBT_{j,t} + \beta_4 BIG4_{j,t} + \beta_5 ALOC_{j,t} + \beta_6 INSTIT_{j,t} + \beta_7 STATE_{j,t} + \beta_8 SINDE X_{j,t} + \beta_9 TANG_{j,t} + \varepsilon$				
متغیر	اختصار	ضریب	آماره t	سطح معنی داری
اندازه شرکت	Size	۰/۰۱۲	۲/۱۹	۰/۰۳۷
رشد شرکت	GROW	۰/۱۹	۴/۱۶	۰/۰۰۰
بدهی بلندمدت به دارایی‌ها	DEBT	-۰/۵۴	-۳/۳۶	۰/۰۰۰
حسابرس گرید اول بورس	BIG 4	-۰/۰۲۱	-۱/۲۸	۰/۱۵۹
حسابرس گرید چهارم	ALOC	-۰/۰۹	-۰/۵۵	۰/۴۷
سرانه تولید ناخالص داخلی	INSTIT	۰/۰۳	۱/۲۱	۰/۱۶۳
بازده تجمعی یک‌ساله بازار	SINDEX	۰/۵۴	۶/۴۷	۰/۰۰۰
دارائی‌های مشهود	TANG	-۰/۱۴	-۲/۲۸	۰/۰۳۱
درصد مالکیت دولتی	STATE	-۰/۰۸	-۳/۶۴	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	β	۰/۰۷	۲/۳۱	۰/۰۲۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۷		
آماره F		۹۳/۸۷ (۰/۰۰۰)		

نتیجه گیری

علاوه بر جهانی شدن بازارهای مالی عوامل دیگری چون خصوصی سازی و پیشرفت در حوزه فناوری اطلاعات و... نیاز به اطلاعات حسابداری را افزایش داده است و انتشار اطلاعات ناقص و غیرقابل اتکا اهمیت موضوع را افزایش می‌دهد، اما آیا نحوه گزارشگری کنونی توانایی پاسخگویی و احتیاجات استفاده کنندگان را دارد؟ نتایج پژوهش‌های انجام شده در راستای این موضوع نشانگر تفاوت در یافته‌ها می‌باشد و ضمناً تمرکز اکثر مطالعات، بازارهای مالی کشورهای توسعه یافته می‌باشد و عدم توجه به کشورهای در حال توسعه مشهود است.

فرضیه اول در این مورد که تغییر قابل توجهی در طی زمان در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد، مطرح گردیده است و همان‌طور که انتظار می‌رفت سطح سوددهی و تغییرات آن رابطه مثبت و بااهمیتی با روند ارزیابی اطلاعات حسابداری در سال‌های اخیر داشته است. دارایی‌ها نقش مثبت و بدهی‌ها در مقابل آن نقشی معکوس در روند افزایش ارزش محتوای اطلاعات حسابداری داشته‌اند. با وجود رابطه مثبت بین ارزش دفتری هر سهم با افزایش ارزش شرکت، نتایج نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه همبستگی منفی مابین سود نسبت به ارزش دفتری و ارزش اطلاعات شرکت می‌باشد و در نهایت ارقام تعهدی و جریان وجه نقد دارای رابطه‌ی مثبت در کل دوره‌ی موردبررسی با ارزش شرکت دارند. نتایج حاصل از پژوهش با مطالعات جانگک (۲۰۱۵)، کوین و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

فرضیه دوم در این مورد که چه عواملی در تغییر ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد، مطرح گردید تا با استفاده از نتایج آزمون بتوان آن بخش از قیمت و بازده سهام که با توجه به چهار مدل فرضیه اول قابل توصیف نبوده، بیان شود که با توجه به نتایج حاصل متغیرهای اندازه شرکت، رشد شرکت و بازده تجمعی یک‌ساله بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری تأثیر منفی و معکوس و متغیرهای بدهی‌های بلندمدت نسبت به کل دارایی‌ها، دارایی‌های مشهود و درصد مالکیت دولتی بر تغییر در ارزش محتوای اطلاعات حسابداری تأثیر مثبت و مستقیم دارد. خوشبختانه در سال‌های اخیر همراه با افزایش ارزش اطلاعات حسابداری، بازار هم شاهد افزایش بازدهی بوده است، بنابراین تصور کاهش ارزش اطلاعات حسابداری در مقابل با افزایش ارزش بازار سرمایه، تصویری غلط و بدبینانه می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان‌دهنده نامناسب بودن روش حسابداری سنتی به علت عدم کاربرد در ارزیابی شرکت‌های که بر دارایی‌های نامشهود و پتانسیل‌های بالقوه رشد خود متکی هستند. نتایج حاصل از پژوهش با نتیجه پژوهش کوین و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش و تأثیر مثبت نقش میزان سوددهی شرکت، ارزش دفتری سهم، جریان‌های نقد و ارقام تعهدی بر ارزش محتوای اطلاعات حسابداری به شرکت‌ها پیشنهاد

می‌گردد، اهمیت ارزش محتوای اطلاعات حسابداری را در نظر بگیرند تا از این طریق بتواند باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نهایت افزایش ارزش شرکت گردند و با مدنظر قرار دادن ارزش زمانی محتوای اطلاعات حسابداری در شرکت موجب بهبود افشا اطلاعات شرکت گردند. علاوه بر این به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود به ارزش محتوای اطلاعات حسابداری توجه بیشتری بنمایند. همچنین برای حجم بالای اطلاعات حسابداری ارائه‌شده توسط ترازنامه و نقش بسزای محتوای اطلاعات حسابداری در تصمیمات ارزیابی خود اهمیت بیشتری را قائل شوند.

با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش به شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد، عوامل مؤثر بر ارزش محتوای اطلاعات حسابداری مانند میزان بدهی‌های بلندمدت، دارایی‌های مشهود و درصد مالکیت دولتی را در نظر بگیرند که با این امر موجب افزایش عملکرد شرکت و افزایش افشای اطلاعات و کیفیت گزارش‌های مالی و در نهایت جذابیت برای سرمایه‌گذاران گردد. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در زمان ارزیابی اطلاعات حسابداری به میزان بدهی‌های بلندمدت شرکت، میزان دارایی‌های مشهود توجه ویژه نمایند و اثرات این متغیرها را بر روی ارزش محتوای اطلاعات حسابداری در نظر بگیرند.

برای مطالعات آتی نیز پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران طبق پژوهش کوین و همکاران (۲۰۱۶) و کالینز و همکاران (۱۹۹۷) رابطه ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری و دارایی‌های ثابت مشهود یا دارایی‌های نامشهود، طبق پژوهش ژانگ (۲۰۱۵) می‌توان رابطه ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری و افشای داوطلبانه و افشای اجباری، طبق پژوهش ال‌کدای و هنیفا (۲۰۱۲) رابطه ارزش محتوای اطلاعات حسابداری و مشخصه‌های هیئت‌مدیره را مورد بررسی قرار دهند. همچنین انجام پژوهش در بازه زمانی طولانی‌تر و به صورت بررسی صنعت و مقایسه باهم دیگر نیز پیشنهاد می‌شود.

منابع

- Alkdai, H. K. H. , & M. M. Hanefah. (2012). Board of Director's Characteristics and Value Relevance of Accounting Information in Malaysian Shariah-Compliant Companies: A Panel Data Analysis. *Economics and Finance Review, Vol. 2, No. 6*, PP. 31– 44.
- Anandarajan, A. , & Hasan, I. (2010). Value relevance of earnings: Evidence from Middle Eastern and North African countries. *Advances in Accounting, 26 (2)* , 270-279.
- Bahri Sales, J. , Behnemon, Y. , & Hosein Zadeh, Gh. (2013). Board of Director's Characteristics and Value Relevance of Accounting Information in listed companies in Tehran stock market. *Journal of Accounting and management auditing, 6 (2)* , 51–63 (in Persian).
- Barth, M. E. , Beaver, W. H. , & Landsman, W. R. (2001). The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view. *Journal of accounting and economics, 31 (1-3)* , 77-104.
- Collins, D. W. , Maydew, E. L. , & Weiss, I. S. (1997). Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years. *Journal of accounting and economics, 24 (1)* , 39-67.
- Farhadi, Z. , & Soleymani Amiri, GH. (2018). The Value Relevance of Accounting Information during the period of fundamental fluctuations of Tehran stock exchange. *Journal of Empirical Research in Accounting, 27 (7)* , 173–197 (in Persian).
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. M. , & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The accounting review, 79 (4)* , 967-1010.
- Gee-Jung, K. (2009). The value relevance of book values, earnings and cash flows: evidence from Korea. *International journal of business and management, 4 (10)* , 28-42.
- Hasas Yeganeh, y. , Ghorbani, M. , & Shaabani, K. (2014). The relevance of accounting standards in Tehran stock market. *Journal of Accounting and management auditing, 9 (3)* , 135–146 (in Persian).
- Kevin, C. K. L. , Heibatollah, S. , & Haiyan, Zh. (2016). Change in the value relevance of accounting information over time. *Journal of Contemporary Accounting & Economic, 15 (2)*: 248–396.
- Khoddamipour, A. , & TorkzadehMahani, A. (2011). Tax and conservatism in financial reporting, and the value relevance of accounting data. *Financial Accounting Researches, 3 (3)* , 127-145 (in Persian).
- Kordestani, Gh. , & Iranshahi, M. (2012). The impact of conservatism on the Value Relevance of accounting studies and the value of share. *Journal of auditing research, 46 (12)* , 18-33 (in Persian).
- Lam, K. C. , Sami, H. , & Zhou, H. (2013). Changes in the value relevance of accounting information over time: Evidence from the emerging market of China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics, 9 (2)* , 123-135.
- Malik, M. F. , & Ali, B. (2013). Value relevance of accounting information: Evidence from fuel and energy sector of Pakistan. *Journal of Basic Applied Science Research, 3 (7)* , 884-891.

- Mashayekh, Sh. , & Nasiri, S. (2016). The impact of transparency of financial reporting on the Value Relevance of profit. *Accounting empirical researches*, 19, 127-154 (in Persian).
- Mehrani, S. , Faal Ghayomi, A. , & Moradi, M. (2012). The relationship among institutional ownership and focus in institutional ownership and the relevance of accounting information. *Journal of Accounting knowledge 3* (11) , 31-55 (in Persian).
- Pervan, I. , & Bartulović, M. (2014). Value relevance of accounting information: evidence from South Eastern European countries. *Economic research-Ekonomska istraživanja*, 27 (1) , 181-190.
- Riyahi Belkoei, A. (2010). Accounting theories. *Iran cultural studies publication. Prime edition* (In Persian).
- Saghafi, A. , & Baghomian, R. (2009). The determination of the Value Relevance of accounting information in order to measuring of behavior. *Journal of accounting research*, 25 (7) , 1-52 (In Persian).
- Scott. W. R. (2007). Financial Accounting Theory. *Prentice Hall Edition*.

Changes in the Value Relevance of Accounting Information Over Time in Firms Listed in the Tehran Stock Exchange

Iraj Noravesh¹, Salam Abdullazade², Maryam Maleki³

Received: 2017/11/14

Accepted: 2018/02/24

Abstract

The value relevance of accounting information is termed as "the beneficial financial statements" is defined as the effect of such information on the economic-related decisions of the users regarding the evaluation of the past and the present events as well as verification or rectification of the previous assessments. The higher the value relevance of accounting information, leads to the stronger and greater cohesion between financial statement items and firm stock-share prices or returns. The main objective of this research is study of the changes in the value relevance of accounting information among listed companies in Tehran Stock Exchange for the period of 2009 to 2015. In this research, 165 listed companies have been selected as sample and two hypotheses have been surveyed. Result of the study showed the significant changes in the value relevance of accounting information among listed companies over time. In addition, variables such as long-term debt to assets and tangible assets and percentage of state-owned shares, have positively and significantly impact on the value relevance of accounting information, whereas variables such as firm 'size, firm' grow and one-year cumulative stock market return have negatively and inversely impact on the value relevance of accounting information.

Keywords: Accounting Information, Capital Markets, Firm Characteristics, Value Relevance.

JEL classification: M41,C23

DOI: 10.22051/ijar.2019.18047.1353

¹ Professor of Accounting, University of Tehran, Tehran, Iran, (irajnoravesh@yahoo.com)

² PhD of Accounting, Azad university of Sanandaj, Kordestan, Iran, (sa.abdollahzade@gmail.com)

³ MSc of Accounting, Higher Education institute of Damavan Ershad, Tehran, Iran, Corresponding Author, (Marya.maleki91@gmail.com)